

مجله‌ی حافظ‌پژوهی (مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ)  
سال ۱، شماره‌ی ۲، پایانی ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۳۲-۲۰۷

## امید و امیدواری در اشعار حافظ

عباس عاشوری‌نژاد\*

مریم پرهیزکاری\*\*

### چکیده

فراگیری جهانی ویروس مصیبت‌بار کرونا، در کنار این همه فجایع انسانی در نتیجه‌ی رویارویی قدرت‌ها و جنگ‌ها در جهان، به‌خصوص در منطقه‌ی خاورمیانه، مردمان را به‌شدت افسرده و مضطرب و بسیاری را نسبت به آینده‌ی زندگی ناامید کرده است. در چنین وضعیتی، انسان امروز نیاز حیاتی به امیدواری دارد تا بتواند مصیبت‌ها و فجایع را تاب آورد و زندگی را ادامه دهد. این مقاله که بر بنیاد آرای صاحب‌نظران و طرف‌داران نظریه‌ی «امید» و مفهوم «امیدواری»، نوشته شده، در جست‌وجوی یافتن پاسخ این پرسش است که امید و امیدواری و مفاهیم مترادف و مرتبط با آن، در اشعار حافظ چرا و چقدر و چگونه به کار گرفته شده و این مفاهیم با مؤلفه‌های نظریه‌ی امید و مفهوم امیدواری در روان‌شناسی، چه اندازه همخوانی دارد؟ رویکرد تحقیق، کیفی و از نظر هدف، بنیادی‌ست و به‌روش جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در اشعار حافظ، واژه‌ی «امید» و مفاهیم مرتبط با آن، فقط انباشتی از واژه‌ها به‌منظور برانگیختن هیجانات مخاطب نیستند؛ بلکه

---

\* استادیار تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد، بوشهر. ashoorinejad@yahoo.com

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوشهر. mprhzk@gmail.com

این مفاهیم، از نظر این شاعر بلندپایه، بسیار نزدیک به مفهوم نظریه‌ی امید و امیدواری و مؤلفه‌های آن در روان‌شناسی امروز است.

واژه‌های کلیدی: امید، امیدواری، حافظ، زمانه‌ی ما، نظریه‌ی امید.

#### ۱. مقدمه

زندگی امروز ما دچار مصیبت‌های فراوان است؛ مصیبت‌هایی مانند شدت گرفتن رویارویی و تهدیدهای قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، جنگ میان کشورها و فراگیری جهانی کرونا. این رویدادهای غم‌انگیز، پیامدهایی ویرانگر در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و روانی دربرداشته و زندگی را به کام ما تلخ کرده است. آنچه در این میان، بیش از همه، مردمان روزگار ما را دچار تلخ‌کامی و زندگی ما را تیره‌وتار کرده، فراگیری جهانی بیماری «کرونا و ویروس» (Coronavirus Disease) است. این بیماری، در چند سال اخیر، بیشترین آسیب را به سلامت جسمانی و روانی انسان‌ها وارد کرده است. یکی از پیامدهای روان‌شناختی این رویدادهای ویرانگر و به‌خصوص فراگیری جهانی بیماری کرونا، گسترش استرس، اضطراب، افسردگی و ناامیدی در میان مردم است.

بیماری کرونا، به‌طور خاص، از ژانویه‌ی ۲۰۲۰م، بحرانی ناگهانی در بهداشت عمومی جهان ایجاد کرد و در مدتی کوتاه، از شهر «ووهان» (Wuhan) چین به سراسر جهان گسترش یافت. این بیماری، به دلیل قابلیت انتقال سریع و قریب‌الوقوع و نامرئی بودن، دهکده‌ی جهانی را با چالشی بزرگ روبه‌رو کرده و جان میلیون‌ها نفر از انسان‌ها را گرفته است.

تحقیقات اخیر روان‌شناختی نشان داده که پریشانی‌های روانی، مانند وحشت‌زدگی، اضطراب، افسردگی، ترس، انکار و ناامیدی، اساسی‌ترین واکنش‌های روانی آسیب‌زا در اغلب افراد آسیب‌دیده و در معرض این بیماری، بوده است؛ همچنین، براساس این تحقیقات، ترس و انکار و ناامیدی، به‌ترتیب، اساسی‌ترین واکنش‌های اغلب این افراد در

پاسخ به ترس از این بیماری بوده است (رک. شیوندی و حسنونند، ۱۳۹۹: ۴). در چنین وضعیتی که ما در برابر این معضلات و بحران‌ها قرار گرفته‌ایم، مسأله این است که از چه منابعی می‌توانیم بهره بگیریم تا آستانه‌ی تحمل خود را افزایش و به زندگی ادامه دهیم؟ یکی از رهاوردهای رنسانس در مغرب‌زمین و رخدادِ تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اروپا، شکل‌گیری مکاتبی بزرگ در حوزه‌ی روان‌شناسی و روان‌کاوی بود. نظریات حاصل از برخی از این مکاتب، در حل مسائل و معضلات زندگی مردم، بسیار مؤثر بوده است.

متأسفانه، از این نظر، مشرق‌زمین عقب افتاد؛ ولی از گذشته‌های دور تا امروز، منابعی همچون: کتاب‌های آسمانی و گفتارهای عرفانی و منابع ادبی، پاسخ‌گویی به مشکلات روحی‌روانی مردم و حل بسیاری از مسائل و معضلات مربوط به زندگی آن‌ها را بر عهده داشته‌اند. در ایران، حضور *دیوان حافظ* در کنار کتاب مقدس قرآن کریم، همواره آرام‌بخش دل‌ها و تسلی‌بخش جان‌ها بوده است.

مطالعه و اندیشه در آرای برخی از مکاتب اثرگذار روان‌شناسی معاصر مغرب‌زمین و آموزه‌های عرفانی مشرق‌زمین، نشان می‌دهد که از دیدگاه آن‌ها، امید و امیدواری، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیروی محرکه‌ی زندگی انسان است.

نگارندگان بر این باورند که یکی از منابع موجود، استفاده از آرا و نظریات مؤثر روان‌شناسی است که در قرن گذشته و به‌خصوص در نیم‌قرن اخیر و به‌طور اخص، پس از جنگ جهانی دوم، تاحدودی زیاد، به دادِ مردمان مصیبت‌دیده و درمانده رسید. در این برهه از زمان بود که دانش روان‌شناسی که به‌تدریج از دامان فلسفه، متولد شده و رشد کرده بود، تکاملی درخور ملاحظه یافت و از اواسط قرن بیستم میلادی، از روش‌های علم تبعیت کرد و به‌عنوان علمی مؤثر شناخته شد (رک. هرگنهان، ۱۳۸۹: ۲ و ۳). در این مدت، روان‌شناسان موفق گردیدند تا با تمرکز بر آسیب‌های روانی، بسیاری از بیماری‌ها را شناسایی و از آن مهم‌تر، درمان کنند.

## ۲. پیشینه و روش پژوهش

### ۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش

منابعی را که به‌عنوان پیشینه‌ی این تحقیق محسوب می‌شود، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. پژوهش‌های خارجی که شامل نظریات روان‌شناسان غربی، مانند اسنایدر (Snyder)، فرانکل (Frankl)، سلینگمن (Seligman) و اریک فروم (Erick Fromm)، است؛ ۲. پژوهش‌های داخلی که عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. پژوهش‌هایی که بی‌توجه به نظریات روان‌شناسی و با رویکرد عرفانی یا اجتماعی به موضوع امید و امیدواری در اشعار حافظ پرداخته‌اند؛ برای نمونه، سرامی و چیتگرزاده (۱۳۹۶) در پنج بخش کتابشان، امید را در شعر شاعران بزرگ ایران و فرهنگ ایران بررسی کرده‌اند. بخش اول به‌عنوان مقدمه، به وجود امید در فرهنگ ایران از دوران باستان تاکنون پرداخته است. بخش دوم تا چهارم، به ترتیب، امید را در اشعار فردوسی، آثار سعدی و دیدگاه مولانا بررسی کرده است. آخرین بخش کتاب نیز، دربرگیرنده‌ی امید در شعر حافظ است؛ در این بخش، با بررسی اوضاع فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی عصر حافظ، درباره‌ی امید در منظومه‌ی فکری حافظ بحث شده است.

ب. پژوهش‌هایی که با رویکرد میان‌رشته‌ای (ادبیات و روان‌شناسی) نوشته شده‌اند. این منابع که بسیار اندک‌اند، درضمن مباحث مختلف، به شاخصه‌ی امید و امیدواری هم اشاراتی کرده‌اند؛ ازجمله: پیرانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی فضیلت‌های خرد و دانایی و تعالی و قابلیت‌های شادی و امید و رضایتمندی در اشعار حافظ پرداخته است. او نتیجه گرفته است که آنچه امروزه به نام فضیلت‌ها یا روان‌شناسی مثبت‌گرا در غرب مطرح می‌شود، در طول قرن‌های متمادی، در آثار فرزندان سرزمین ما در قالب مفاهیم و مصداق‌هایی دلنشین‌تر بیان شده است که حافظ نمونه‌ی برجسته آن است؛ لیکن چیزی که مانع کاربردی کردن این مفاهیم می‌شود، همان سهل‌انگاری

همیشگی، یعنی کم‌کاری یا کم‌توانی در نظریه‌پردازی براساس آن‌هاست که در جهان امروز امری تثبیت‌شده است.

## ۲.۲. روش پژوهش

رویکرد تحقیق، کیفی و از نظر هدف، بنیادی است. حوزه‌ی پژوهش، شامل منابع مرتبط با نظریه‌ی «امید»، دیوان/اشعار حافظ براساس تصحیح غنی قزوینی و کتاب‌ها و مقالات مرتبط با امید و امیدواری در اشعار حافظ است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. روش تحلیل اطلاعات، «مقوله‌بندی قیاسی» است؛ بدین صورت که ابتدا، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های امید و امیدواری، شناسایی و سپس، اولویت‌های مقوله‌ها تعیین شد. در ادامه، مقولات اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردیدند و در نهایت، براساس آن‌ها، اشعار حافظ در چهارچوب نظریه‌ی «امید و باورمندان به امیدواری» بررسی شد.

## ۳. مبانی نظری

### ۳.۱. مروری بر جایگاه امید در روان‌شناسی مثبت‌گرا

روان‌شناسی مثبت‌گرا (Positive Psychology)، شاخه‌ای جدید در علم روان‌شناسی است که مارتین سلیگمن، رئیس وقت انجمن روان‌شناسی آمریکا، آن را به صورت رسمی، در سال ۲۰۰۰ میلادی، بنیان‌گذاری کرد. او در کتاب *شادمانی درونی*، یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های شادمانی را امید می‌داند و می‌نویسد: «امید موجب تلاش برای رسیدن به هدف و نیروبخش فرد برای مبارزه با دشواری‌ها یا کنارآمدن با موانعی است که به‌راستی از میان‌بردنی نیست. امید، پرتگاه‌ها را به سکوی پرش و پرواز تبدیل می‌کند» (سلیگمن، ۱۳۹۱: ۱۲۵). روان‌شناسی مثبت‌گرا، سه ستون اصلی دارد: مطالعه‌ی هیجانات مثبت، مطالعه‌ی خصوصیات مثبت و مهم‌تر از همه، ارتقای قابلیت‌ها و فضیلت‌های انسان. نظریه‌ی «خوش‌بینی آموخته‌شده» (Learned Optimism) یکی از نظریات این رویکرد روان‌شناسی است که در آن امید و امیدواری نقش محوری دارد (رک. همان، ۱۳۸۷: ۶۵).

با شکل‌گیری این رویکرد روان‌شناسی، روان‌شناسانی دیگر مانند چارلز ریک اسنایدر، کوشیدند تا روش‌هایی را به کار گیرند تا برای ارتقای کیفیت زندگی انسان‌های سالم هم بکوشد و چترهای حمایتی روان‌شناسی را گسترده‌تر کند.

اندیشمندان و روان‌شناسانی بزرگ، قبل و بعد از شکل‌گیری روان‌شناسی به‌عنوان یک علم، از امید و امیدواری برای درمان دردهای روانی و بهبود کیفیت زندگی و ایجاد «خشنودی پایدار» (Lasting Fulfillment) سخن گفته بودند؛ اما این اسنایدر بود که روی امید، به‌طور ویژه، تمرکز کرد. مطالعات دامنه‌دار و دقیق و روشمند او باعث شد تا سرانجام «نظریه‌ی امید» (Hope Theory) او با استقبال محافل علمی، روبه‌رو و در کار درمان استفاده شود. وی که از بزرگان روان‌شناسی مثبت‌گرا به شمار می‌آید، روش‌هایی را ابداع کرد تا با استفاده از امید، در معنای واقعی کلمه، به افزایش تاب‌آوری انسان‌ها، کمک و به‌زیستی آن‌ها تقویت شود. از نظر اسنایدر، امید یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به خوش‌بینی و یکی از ویژگی‌های زندگی‌ست که افراد را به جست‌وجوی فردای بهتر وامی‌دارد. امید یعنی انتظار موفقیت و آینده‌ی بهتر، یعنی دلیلی برای زیستن. وقتی امید در دل و ذهن وجود داشته باشد، اشتیاق زندگی نیز وجود خواهد داشت (رک. بهاری، ۱۳۹۰: ۱۸).

اسنایدر با بیان این نکته که امیدی که بر پایه‌ی خیال یا توهم استوار باشد، نه‌تنها سودمند نیست بلکه زیان‌بار است، بر امید مبتنی بر واقعیت، تأکید و مشخص کرد تنها، امید هدفمند است که در دایره‌ی نظریه‌ی او می‌گنجد و می‌تواند دردها و رنج‌های انسان را تسکین دهد، پادزهری درمقابل مصیبت‌ها باشد و به افزایش کیفیت زندگی منتهی شود (رک. اسنایدر، ۱۳۹۷: ۱۳ و ۱۴). با توجه به نظر اسنایدر، می‌توان فرمول امید را به این شکل بیان کرد:

امید = قدرت اراده + قدرت برنامه‌ریزی + صبر و شکیبایی + تعیین هدف + شناسایی موانع رسیدن به هدف = هدف (رک. بهاری، ۱۳۹۰: ۳۵ و ۳۶)

از نظر اسنایدر، انسان وقتی به تحققِ هدفش امید داشته باشد، هم اراده‌ی دستیابی به آن را می‌یابد و هم مسیر رسیدن، مقابل او گشوده می‌شود. در تکمیل دیدگاه‌های اسنایدر، محققان بعد از او، به‌خوبی دریافتند که نقش امید در زندگی، بسیار فراتر از این است که تنها، نیروی تسلی‌بخش در اوج احساس غم‌زدگی باشد؛ از نظر آن‌ها، امید نقشی مقتدرانه و شگفت‌آور در زندگی ایفا می‌کند. آن‌ها ثابت کردند امید از نظر علمی، از چشم‌اندازی روشن که نشانه‌ی خوب پیش‌رفتن همه‌چیز باشد، فراتر است (رک. گلמן، ۱۳۸۰: ۳۷).

### ۲.۳. مفهوم‌شناسی امید و امیدواری

بر مبنای نظریه‌ی امید و دیدگاه‌های مطرح درباره‌ی امیدواری می‌توان گفت: امید یکی از هیجان‌های اصلی آدمی است که با خوش‌بینی (Optimism)، یعنی اعتقاد به اینکه همه‌چیز درست می‌شود، فرق دارد. در امید، مثبت‌اندیشی هست؛ ولی امید همان مثبت‌اندیشی نیست. به عقیده‌ی گروپمن (Groopman)، امید، احساس وجدی است که انسان از طریق چشم عقل، هنگام مشاهده‌ی مسیری بهتر برای آینده، در خود احساس می‌کند (رک. بهاری، ۱۳۹۰: ۲۵). در حالت امید، موانع و پرتگاه‌های راه، به‌درستی، دیده می‌شود. در اینجا، جایی برای هذیان و توهم نیست؛ درعین‌حال، انسان جرأت می‌یابد با دشواری‌های زندگی روبه‌رو شود و ظرفیت غلبه بر آن‌ها را در خود احساس کند. امید با توقع (Expectance) و انتظار (Expect) و اشتیاق (Enthusiastically) هم، متفاوت است؛ ممکن است توقع و انتظار و اشتیاق رخدادی خوشایند را داشته باشیم، بی‌آنکه احتمال و شرایط ظهورش را ملاحظه کنیم یا برای تحقق آن فعالانه بکوشیم و خطرات و موانع آن را پیش‌بینی کنیم؛ ولی در نظریه‌ی امید، همه‌ی این مسائل لحاظ می‌شود؛ علاوه بر این، امید همیشه با عدم قطعیت همراه است و توقع با قطعیت، رابطه‌ی تنگاتنگ دارد؛ امید موجب انگیزه‌ی قوی برای عمل می‌شود، حال آنکه توقع منفعلانه است (رک. سازمند، ۱۳۹۸: ۲۱ و ۲۲).

همین مبحث در عرفان اسلامی نیز مطرح شده است: «فرق است میان رجا و تمنا؛ تمنا صاحبش را کاهلی آرد و به راه جد و جهدش بیرون نشود و صاحب رجا به عکس این بود» (قشیری، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

امید با میل (Bar) و آرزو (Wish) نیز متفاوت است؛ چراکه همه کس میل به بهبودی و بهروزی زندگی دارند و آرزومند ارضای تمایلات و نیازهای خود هستند؛ اما ممکن است در مسیر تحقق آن نکوشند. امید با باور (Belief) و ایمان (Trust) و یقین (Certainty) هم متفاوت است؛ چنان‌که درباره‌ی مفاهیم اخیر در قرآن آمده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره / ۳ و ۴): آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هرچه روزی‌شان کردیم، به فقیران انفاق کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده است، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند.

ایمان به غیب و یقین به روز بازپسین، از ویژگی‌های پرهیزکاران است و تحقق آن موقوف به تلاش باورمندان و اهل یقین نیست. براساس آموزه‌های دینی و نص صریح قرآن کریم، روز رستاخیز قطعاً رخ می‌دهد و جز عالم شهود، غیب هم وجود دارد. در این رابطه آنچه به امید مربوط می‌شود، آن است که مؤمن با توجه به باوری که به روز رستاخیز دارد، برای تلاش انگیزه می‌باید (برپاداشتن نماز، انفاق و...) و امید خواهد داشت (همراه با بیم) که رستگار شود. نتیجه آنکه، امید عین باور و یقین نیست؛ چراکه در باور و یقین، تردید وجود ندارد. این تردید در عرفان اسلامی با عنوان «خوف» آمده که لازمه‌ی رجا (امیدواری) است (رک. کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۷۳).

اریک فروم، از طرف‌داران نظریه‌ی امید، در کتاب *انقلاب/امید*، امیدواری را چنین توضیح داده است: «امیدواربودن این است که موضوع امید، شیء نباشد؛ بلکه موضوع آن، زندگی برتر، زنده و سرشار بودن، رهایی از بیزاری و ملال دائمی یا اگر اصطلاح مذهبی به کار بریم، رستگاری (Salvation) یا اگر اصطلاح سیاسی به کار بریم، انقلاب



(Revolution) باشد» (فروم، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۱۸). براساس نظریه‌ی فروم، امیدواری با «زمان» ارتباط دارد و زمان و آینده از عوامل اصلی امیدواری اند. انتظار وقوع حادثه از زمان حال نیست؛ بلکه حادثه باید در لحظه‌ای دیگر، روزی دیگر، سالی دیگر و حتی در دنیایی دیگر اتفاق افتد. چه بسا پوچ باشد که خیال کنیم امید فقط در این دنیا بارور می‌شود (رک. همان: ۲۱).

در مجموع، براساس آرای روان‌شناسان و اندیشمندان، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه‌ی امید و باورمندان به ضرورت امیدواری برای به‌زیستی انسان عبارت‌اند از: داشتن هدف، آگاهی از واقعیت‌های دشوار زندگی، عدم قطعیت در تحقق اهداف در کوتاه‌مدت، وجود انگیزه و اراده‌ی قوی و صبر و شکیبایی. با این رویکرد می‌توان از اشعار و اندیشه‌های حافظ برای تقویت امید و امیدواری، بیش‌ازپیش، استفاده کرد.

### ۳.۳. مؤلفه‌های نظریه‌ی امید

هدف (Aim) اولین و مهم‌ترین مؤلفه‌ی نظریه‌ی امید است؛ جایگاهی ست که فرد دوست دارد به آنجا برسد یا اینکه ممکن است دقیقاً در همان جایگاه قرار داشته باشد. هدف ممکن است کوچک باشد یا بزرگ؛ به‌هرحال، «به نظر اسنایدر، امید بدون هدف نمی‌تواند زنده بماند» (بهاری، ۱۳۹۰: ۳۵)؛ بنابراین، هدف، نقطه‌ی ثقل امید است. در نظریه‌ی امید، وجود هدف و ایجاد شادمانی، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.

هرمان هسه (Hermann Hesse) معتقد است: بدون امید، هدف و بدون هدف، معنا و بدون معنا، شادمانی حاصل نمی‌شود؛ از این‌روست که تأکید می‌کند آنچه اروپا از دست داده است، زندگی معنوی است و در ادامه‌ی گفتارش چنین می‌افزاید: «هر کجا بر کره‌ی زمین چیزی را می‌یافتیم که می‌شد آن را خوشبختی (happiness) نامید، می‌دیدیم که پول و قدرت در آن نقشی نداشت» (هسه، ۱۳۷۸: ۶۷).

اهمیت هدف در نظریه‌ی امید آنقدر است که روان‌شناسان بزرگ دیگر، به شکل ویژه، بر آن تمرکز کرده‌اند. رولو می (Rollo May)، از بنیان‌گذاران روان‌شناسی وجودگرا (Existential Psychology)، در کتاب ارزشمندش، هنر مشاوره، می‌گوید:

«هر فردی برای دستیابی به سلامت شخصیت، نیازمند آن است که تا حدودی به هدف باور داشته باشد، هرچند که هدفی ناقص باشد. بدون هدف، معنایی وجود ندارد و سرانجام اینکه، بدون معنا نمی‌توان زیست. هدف در شخصیت، نقشی همانند هسته‌ی فولادی دستگاهی الکترومغناطیسی را القا می‌کند که خطوط نیرو را در جهت یک الگو، متحد و از این رو، دستگاه را قادر به تولید نیروی مؤثر می‌کند؛ همچنین، سلامت شخصیت مستلزم آن است که فرد، علاوه بر زندگی شخصی، به وجود هدف در فرایند کل زندگی ایمان بیاورد. نمی‌توان در جزیره‌ای از معنا که با اقیانوسی از بی‌معنایی احاطه شده است، زندگی کرد. اگر جهان بیهوده است، اجزای آن نیز باید چنین باشد» (می، ۱۳۹۹: ۱۳۸ و ۱۳۹).

ویکتور فرانکل، روان‌پزشک اتریشی و مؤسس مکتب «معنادرمانی» (Lego Therapy)، که سال‌ها در اردوگاه کار اجباری به سر برده، در کتاب *انسان در جست‌وجوی معنی* که حاصل تجربیاتش در اردوگاه آلمانی‌هاست، معتقد است معناخواهی از اصلی‌ترین ویژگی‌های انسان است؛ زیرا معنا از هدف و امید ناشی می‌شود. او می‌گوید: «تلاش در راه یافتن معنایی در زندگی خود، نیرویی اصیل و بنیادین است و نه توجیهی ثانویه از کشش‌های غریزی او. این معنا ویژه‌ی خود اوست و از این رو، این اوست و تنها او که باید و قادر است به آن تحقق بخشد» (فرانکل، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

داشتن قدرت اراده (Animus) مؤلفه‌ی دیگر نظریه‌ی امید است که درون آدمی، نهفته است و البته می‌شود آن را تقویت کرد. این مؤلفه را می‌شود با «اعتمادبه‌نفس» (Self Assurance) یکی یا موجب آن دانست. در این وضعیت، واگویی فرد این است که «من آماده‌ام»، «من به اوضاع مسلطم»، «من می‌توانم این کار را بکنم». صبر (Patience) و شکیبایی (Forbearance) نیز، در نظریه‌ی امید جایگاهی ویژه دارد؛

زیرا از آنجاکه تحقق هدف، امری احتمالی‌ست و همواره، در مسیر آن، دشواری و موانع وجود دارد، صبر و شکیبایی و تلاش مداوم برای رفع موانع و پایداری، ضرورت فراوان دارد و بدون آن، تحقق هدف و کوشیدن ناممکن می‌شود (رک. همان، ۱۳۸۵: ۲۴).

در کنار این دیدگاه‌های روان‌شناسانه و عالمانه، یکی از راه‌های مؤثر برای افزایش تاب‌آوری و بازگشت به زندگی و ادامه‌ی آن در این وضعیت دشوار، برای مردمان کشور ما و کشورهای فارسی‌زبان، استفاده از ظرفیت مفهوم امید و امیدواری و مفاهیم مرتبط با آن در ادبیات، به‌خصوص ادبیات عرفانی و از آن‌میان، اشعار حافظ است. نکته‌ی مهم اینکه در آن ادبیات و این اشعار، امید و امیدواری نقشی اساسی و بنیادین دارد.

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بوده است: آیا امید و امیدواری، ذاتی حافظ است؟ امیدواری در منظومه‌ی فکری و اعتقادی حافظ، چه جایگاهی دارد؟ شرایط سیاسی و اجتماعی و دینی عصر حافظ چه اثری بر نگرش امیدوارانه‌ی او داشته است؟ امید و امیدواری در اشعارش چقدر و چگونه تبلور یافته است؟ و از همه مهم‌تر، اشعار حافظ تاچه‌اندازه با مؤلفه‌های نظریه‌ی امید و دیدگاه‌های روان‌شناسان و اندیشمندان معتقد به امیدواری همخوانی دارد؟

گفتنی‌ست نگارندگان بر مبنای معیارهای تخصصی علم روان‌شناسی، اشعار حافظ را بررسی نکرده‌اند؛ بلکه مفاهیم امید و امیدواری را در معنای عام آن و تقریباً مترادف یکدیگر در نظر گرفته و حتی از مفاهیم هم‌معنی و مرتبط با امید و امیدواری نیز استفاده کرده‌اند تا امکان درک و فهم بهتر این مفاهیم و مؤلفه‌های اساسی آن‌ها در شعر حافظ میسر باشد. آن‌ها می‌خواهند درنهایت، به این تشخیص برسند که چگونه می‌توان از اشعار امیدوارکننده‌ی خواجه‌ی شیراز، برای افزایش تاب‌آوری و زندگی بهتر استفاده کرد.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴.۱. عوامل مؤثر بر امیدباوری حافظ

ذات: آیا باورمندی حافظ به امید، محصول شخصیت ذاتی اوست؟ مفهوم‌شناسی و شناخت ابعاد «ذات» آدمی، کاری بسیار دشوار است و در کاربرد این واژه، ابهامات و اختلاف‌نظرهای زیاد وجود دارد؛ مثلاً گاهی در فلسفه، از اصل ماهیت، به ذات و از اجزای ماهیت، به ذاتی تعبیر می‌شود، یا ارکان وجودی و مقومات هر چیزی را ذاتیات آن می‌نامند (رک. سجادی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۸۰ و گرجی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)؛ همچنین، نوشته‌اند: ذات همان نفس است که حَیّ، مُدرک، سَمیع، بصیر و عاقل است یا، نفس، جوهر روحانی است که به ذات خود زنده است و چون قرین و هم‌نشین جسمی از اجسام گشت، آن را مانند خود می‌نماید (رک. صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۲). با توجه به این امر و محدودیت منابع و اطلاعات ما درباره‌ی زندگی حافظ، نمی‌توان به پاسخی مناسب درباره‌ی سؤال فوق رسید.

##### ۴.۲. ویژگی شخصیتی

بخشی زیاد از اشعار امیدوارانه‌ی حافظ، محصول ویژگی‌های شخصیتی اوست. برای درک بهتر مطلب، گفتنی‌ست که اولاً شخصیت، عبارت از تصویری ظاهری و اجتماعی‌ست که براساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند، تعیین می‌شود (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۵). شخصیت، در معنای کلی‌تر، یعنی جنبه‌های بی‌همتا و نسبتاً پایدار درونی و بیرونی منش فرد که در موقعیت‌های مختلف بر رفتار وی اثر می‌گذارند (شولتز، ۱۳۸۴: ۱۰)؛ ثانیاً، یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد، درک افکار آنان است (آلن، ۱۳۹۷: ۵). این موضوع از طریق گوش‌دادن و توجه دقیق به کلماتی که در گفتار یا نوشتارشان به کار می‌برند، امکان‌پذیر می‌شود.

برخی از محققان زبان، واژه را واحد اندیشه می‌دانند (لوریا، ۱۳۶۸: ۸۲). بر همین مبنا بسیاری از روان‌شناسان بزرگ معتقدند از روی تنوع و بسامد واژگان مورد استفاده‌ی

هر شاعر می‌توان گرایش‌های فکری، عاطفی، اجتماعی و سیاسی او را تشخیص داد. از نظر روان‌شناسی، اهمیت شناخت واژه‌های مورد استفاده‌ی افراد تا بدان حد است که براساس واژه‌ها می‌توان به برخی از حالات روحی و روانی نویسنده و گوینده پی برد (غیاثی، ۱۳۶۸: ۳۹).

بسامد بالای کلماتی که افراد استفاده می‌کنند، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اهمیت این کلمات در جغرافیای فکری آن‌ها و تا حدودی زیاد، منعکس‌کننده‌ی ویژگی‌های شخصیتی آنان باشد. به این کلمات، واژگان کلیدی هم گفته می‌شود. کلمات کلیدی به‌تنهایی نمی‌توانند ویژگی‌های شخصیتی افراد را تعیین کنند؛ اما بینشی شایسته‌ی توجه درباره‌ی روند تفکر و ویژگی‌های رفتاری فرد ارائه می‌دهند. این موضوع به‌خصوص درباره‌ی کسانی که حساب‌شده، گزینشی و با تأمل سخن می‌گویند و می‌نویسند، بیشتر مصداق دارد.

این امر در حوزه‌ی شعر نیز، مصداق دارد؛ ساخت شعر مبتنی بر دو اصل گزینش و ترکیب است و از آنجاکه ترکیب نیز پس از گزینش شکل می‌گیرد، می‌توان گفت بنیان شعر بر اصل گزینش استوار است؛ اما این بدان معنی نیست که ابتدا همه‌ی اجزای شعر، گزینش و در مرحله‌ی بعد، هم‌نشین و ترکیب شوند و به‌محض اینکه شاعر اولین سازه‌ی شعر را گزینش کرد، وارد مرحله‌ی گزینش سازه‌ی دوم شود؛ زیرا قواعد و قوانین ترکیب و هم‌نشینی، محدودیت‌هایی در راه گزینش وی به وجود می‌آورد (عمران‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

درباره‌ی حافظ شایان توجه است که او شاعری، عالم به دانش‌های ادبی و شرعی و مطلع از دقیقه‌های حکمت و حقیقت‌های عرفان بود. استعداد خارق‌العاده‌ی فطری اش به او مجال تفکرهای طولانی، همراه با تخیل‌های بسیار باریک شاعرانه می‌داد. وی جمیع این موهبت‌های ربّانی را با ذوق لطیف و کلام دلپذیر استادانه‌ی خود درمی‌آمیخت و از آن‌میان، شاهکارهای بی‌بدیل خود را به‌صورت غزل‌های عالی به وجود می‌آورد. کلام او در همه‌ی موارد، منتخب و برگزیده و مزین به انواع تزیین‌های مطبوع و مقرون به

ذوق و شامل کلماتی است که هریک با حساب دقیق، انتخاب و به جای خود گذارده شده است (صفا، ۱۳۷۴: ۱۸۸).

فراخوانی واژه‌های متناسب و گزینش بهترین آن‌ها، در کارگاه خیال حافظ، چنان مقتدرانه صورت می‌گیرد که شایسته‌ترین نقش‌های ممکن، با بهترین شیوه‌های پرداخت، در قالب غزل، از فراورده‌های نهایی این کارگاه شگرف و شگفت است (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

با توجه به آنچه گفته شد، جست‌وجو در *دیوان حافظ* نشان می‌دهد که این شاعر بلندپایه‌ی ایرانی، واژه‌ی «امید» را به‌تنهایی، ۵۱ بار به کار برده و در کنار آن، از واژه‌ها و عبارت‌های امیدبستن (چهار بار)، امیدداشتن (ده بار)، امیدوار (پنج بار)، امیدواران (یک بار) و امیدواری (یک بار) استفاده کرده است (رک. اشتری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۶ و ۸۷). بسامد زیاد این واژگان کلیدی در شعر حافظ، در مقایسه با واژه‌های مرتبط با ناامیدی و بدبینی، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی این امر باشد که امیدواری و خوش‌بینی از ویژگی‌های شخصیتی حافظ است؛ به‌خصوص اگر نتایج تحقیقات روان‌شناسان صاحب‌نام در حوزه‌ی روان‌شناسی مثبت‌گرا را مبنای ارزیابی قرار دهیم.

فردریکسون (Frederickson)، سلیگمن و چند تن دیگر از روان‌شناسان معاصر، عقیده دارند که شادی از مسیرهای مختلف حاصل می‌شود و در مجموع، کسی را می‌توان شاد و کامروا دانست که در زندگی خود هیجان‌های مثبت را بیش از هیجان‌های منفی بروز دهد. برخی از این روان‌شناسان پیشنهاد می‌کنند اگر در فردی نسبت هیجان‌های مثبت بر منفی، سه به یک باشد، می‌توان او را شاد و خوشبخت به حساب آورد (فردریکسون، ۱۳۹۷: ۳۲؛ سلیگمن، ۱۳۹۱: ۳۲۴). آن‌ها همچنین تأکید می‌کنند که شادی و خوشبختی، ارتباطی تنگاتنگ با خوش‌بینی و امید و امیدواری دارند.

در *دیوان حافظ*، در بسیاری مواقع، واژه‌ی «امید» در چهارچوب «نظریه‌ی امید» قرار دارد: صبح امید که بُد معتکف پرده‌ی غیب      گو برون آی که کار شب تار آخر شد (حافظ، ۱۳۷۵: ۲۲۳)

شده‌ام خراب و بدنام و هنوز امیدوارم که به همت عزیزان، برسم به نیک نامی

(همان: ۶۳۷)

سحر چون خسرو خاور، عَلم بر کوهساران زد به دست مرحمت یارم، درِ امیدواران زد

(همان: ۲۰۷)

حافظ گاه از واژه‌های امید و امیدواری استفاده نکرده، ولی واژه‌هایی را به خدمت گرفته که

در معنای امید است؛ مثلاً، واژه‌ی «بو»، «مگر»، «چشم‌داشتن» و «طمع‌داشتن» در ابیات زیر:

چه جورها که کشیدند بلبلان از دی به بوی آنکه دگر نوبهار بازآید

(همان: ۳۱۳)

مایه‌ی خوش دلی آنجاست که دلدار آنجاست می‌کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم

(همان: ۴۷۳)

خیز و جهدی کن چو حافظ تا مگر خویشان در پای معشوق افکنی

(همان: ۶۵۲)

همچنین، در دیوان حافظ ابیاتی هست که واژه‌ی امید یا واژه‌هایی مترادف آن در آن‌ها به

کار نرفته است؛ اما بار معنایی امید در بیت یا کل غزل به مخاطب منتقل می‌شود. در این

دیوان حتی یک بار هم، واژه‌ی «یأس» استفاده نشده است و فقط در سه باری که واژه‌ی

«نامیدی» به کار رفته، به نفی آن پرداخته است:

ناامیدم مکن از سابقه‌ی لطف ازل تو پس پرده چه دانی که چه خوب است و چه زشت

(همان: ۱۱۲)

کمر کوه کم است از کمر مور اینجا ناامید از در رحمت مشو ای باده پرست

(همان: ۳۵)

به نامیدی از این در مرو، بزن فالی بود که قرعه‌ی دولت به نام ما افتد

(همان: ۱۵۴)

با توجه به بیت اخیر و بیت‌های دیگر که واژه‌ی «فال» در آن‌ها به کار رفته است، به نظر

می‌رسد حافظ به فال اعتقاد داشته است. این امر می‌تواند بیانگر شخصیت امیدوار او

باشد؛ چراکه اساساً در فال‌گرفتن، امید به تغییر و بهبود وضعیت نهفته است و اینکه او احتمالاً فال‌گرفتن را راهی به جهان غیب و حقیقت می‌داند.

#### ۳.۴. وضعیت سیاسی و اجتماعی

برخی دیگر از اشعار امیدوارانه‌ی حافظ را می‌توان به‌عنوان واکنشی در مقابل وضعیت ناگوار سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی او تلقی کرد. شاید حافظ در جایگاه مصلح و مبارزی فرهنگی و اجتماعی و دینی، راه مقابله با اوضاع وخیم عصر خویش را در تبلیغ امید و زنده‌نگه‌داشتن روحیه‌ی جامعه می‌دید.

در این دوره، حیات اجتماعی و فرهنگی و دینی شیراز نیز، متأثر از حیات سیاسی کشور بود. شیراز، پس از اضمحلال سلسله‌ی ایلخانی، به‌مدت دو دهه، عرصه‌ی منازعات آل‌اینجو، آل‌چوپان و آل‌مظفر بود. شیراز شهر دوست‌داشتنی حافظ، در این زمان، طعمه‌ی جاه‌طلبی‌ها و بلندپروازی‌های گروه‌های قدرت شده بود (کشاورز بیضایی، ۱۴۰۰: ۲۴۴). این اوضاع و احوال آشفته در اشعار حافظ نمودی آشکار دارد: از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت عجب که بوی گلی هست و رنگ نسترنی (حافظ، ۱۳۷۵: ۶۵۱)

در این روزگار آکنده از گناه، فساد، تزویر و جنایت، حافظ ضمن همدردی با مردم، به‌مدد نیروی عشق و رندی، یأس و دل‌زدگی را از خود دور و امیدواری و دعوت به خوش‌باشی را جایگزین آن‌ها کرد. این روحیه‌ی امیدواری و نشاط، حتی در وضعیتی چنین ناگوار، برخاسته از فرهنگ زندگی ایرانی‌ست (سرامی و چیتگرزاده، ۱۳۹۶: ۲۲۸). در این وضعیت ناامیدکننده، شعر حافظ می‌توانست پناهگاه ناامیدان باشد. اساساً، زمانی که مردم احساس درماندگی و ناتوانی در تغییر اوضاع و احوال می‌کنند، بیشتر به فال‌گرفتن روی می‌آورند. کارکردهای تفأل به دیوان حافظ عبارت‌اند از: آرام‌بخشی، بهبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی، کاهش و تسکین آشفتگی‌های روحی و اختلافات جمعی و آینده‌نگری (انصاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۹)؛ به‌بیان دیگر، امید و خوش‌بینی



و تفأل، در ارتباط نزدیک با هم هستند و تفأل زدن به دیوان حافظ یکی از نشانه‌های وجود امید در شعر اوست که خواننده را به طلب برمی‌انگیزد (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۹).

#### ۴.۴. منظومه‌ی فکری و اعتقادی

حافظ از نظر معرفت‌شناسی نگرش شهودی داشت، از نظر هستی‌شناسی معتقد به تقدیر الهی بود، از نظر انسان‌شناسی انسان را موجودی تکامل‌جو و مسئول و مسلط بر نفس می‌دانست و جهان‌بینی‌اش برگرفته از قرآن کریم بود (خرازی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)؛ از این رو، منطبق با سنت الهی و آموزه‌های قرآنی، ناامیدی در منظومه‌ی فکری و اعتقادی حافظ گناهی بزرگ است و همیشه و در همه‌حال، باید به رحمت پروردگار امیدوار بود؛ *لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (زمر/ ۵۳)*؛ بنابراین بخشی زیاد از اشعار حافظ بازتاب‌دهنده‌ی باورهای او درباره‌ی امیدواری به الطاف حضرت حق است. این بخش از اشعار او در دیوانش نمودی آشکار دارد و دیگران را نیز به آن دعوت می‌کند:

دلا، طمع مَبْرُ از لطف بی نهایت دوست      چو لاف عشق زدی، سر بیاز چابک و چست  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۴۱)

کمر کوه کم است از کمر مور اینجا      ناامید از در رحمت مشو ای باده‌پرست  
(همان: ۳۵)

#### ۵. مؤلفه‌های نظریه‌ی امید در اشعار حافظ

##### ۵.۱. هدف

همان‌طور که گذشت، مهم‌ترین مؤلفه‌ی نظریه‌ی امید، هدف است. تا آنجاکه می‌توان هدف را قلب این نظریه به حساب آورد؛ به عبارت بهتر، با وجود هدف است که نظریه‌ی امید معنا و مفهوم حقیقی و واقعی می‌یابد. اشعار حافظ نشان‌دهنده‌ی وجود اهدافی متعالی‌ست؛ اهدافی که به انسان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند مفهوم عالی زندگی را درک و در راه رسیدن به آن‌ها تلاش کنند.

از اشعار حافظ چنین برمی‌آید که هدف غایی او رسیدن به وصال جانان و درک جمال بی‌حجاب حضرت احدیت و رسیدن به چشمه و خلوتگه خورشید است (مرتضوی، ۱۳۸۴: ۳۹۹ و ۴۰۰)؛ چنان‌که می‌گوید:

کمتر از ذره نه ای پست مشو، مهر بورز      تا به خلوتگه خورشید رسی، چرخ زنان  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۵۲۷)

به هواداری او ذره‌صفت، رقص کنان      تال لب چشمه‌ی خورشید درخشان بروم  
(همان: ۴۸۸)

حافظ تحقق این هدف غایی را مشروط به تحقق اهداف زیر می‌داند:

عشق و شراب و رندی، مجموعه‌ی مراد است      چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد  
(همان: ۲۰۹)

پرداختن به هر کدام از این اهداف (عشق و شراب و رندی) مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد.

## ۵. ۲. آگاهی از واقعیت‌های دشوار زندگی

حافظ نسبت به واقعیت‌های دشوار زندگی، آگاهی و احاطه‌ی کم‌نظیر داشته و این واقعیت‌ها را در قالب بیت‌های زیاد بیان کرده است:

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید      هیچ راهی نیست کان را نیست پایان، غم مخور  
(همان: ۳۴۵)

ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل      که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز  
(همان: ۳۵۱)

از نظر حافظ، انسان امیدوار از دشواری راه نمی‌هراسد و نشیب و فرازها را با امیدواری طی می‌کند.

### ۵. ۳. آگاهی از عدم قطعیت در تحقق اهداف

درباره‌ی جهان‌بینی حافظ سخنان بسیار و حتی ضدونقیض بیان شده؛ بالین‌حال، در دیوان او، هم بیت‌هایی حاکی از جبر هست و هم، شعرهایی حاکی از اختیار در تحقق اهداف آدمی:

بارها گفته‌ام و بار دگر می‌گویم      که من دل‌شده این ره نه به خود می‌پویم  
در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند      آنچه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم  
من اگر خارم و گر گل، چمن آرایی هست      که از آن دست که او می‌کشدم، می‌رویم  
(همان: ۵۱۸)

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد      من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم  
(همان: ۵۱۰)

سر خدا که در تُتُّق غیب منزوی‌ست      مستانه‌اش نقاب ز رخسار برکشی  
(همان: ۵۱۲)

خرمشاهی در این باره معتقد است: «ابیات حاکی از اختیار در شعر حافظ، کم‌وبیش، برابر با اشعار جبرگرایانه‌ی اوست» (خرمشاهی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۰۴۹). به هر حال، فارغ از مباحث مربوط به جبر و اختیار در جهان‌بینی حافظ، عدم قطعیت در تحقق هدف مورد انتظار انسان در اشعار او وجود دارد و تحقق هدف مورد انتظار و چگونگی آن، فقط در حیطه‌ی اراده‌ی حضرت حق است. این موضوع در بیت‌های بسیار منعکس است:

در دایره‌ی قسمت، ما نقطه‌ی تسلیمیم      لطف آنچه تو اندیشی، حکم آنچه تو فرمایی  
(همان: ۶۷۵)

آنچه سعی است من اندر طلبت بنمایم      این قدر هست که تغییر قضا نتوان کرد  
(همان: ۱۸۴)

مایه‌ی خوش‌دلی آنجاست که دلدار آنجاست      می‌کنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم  
(همان: ۴۷۳)

بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم      مگر رسیم به گنجی در این خراب‌آباد  
(همان: ۱۳۸)

#### ۵. ۴. داشتن انگیزه و اراده‌ی قوی

انگیزه و اراده‌داشتن برای رسیدن به هدف، ارتباطی مستقیم با امید دارد. انسان‌های امیدوار، انگیزه‌های قوی‌تر و اراده‌ای راسخ‌تر برای رسیدن به هدفشان دارند. با پذیرش اینکه از منظر حافظ، تحقق هدف آدمی و کیفیت آن، منوط به اراده‌ی حضرت حق است، این نکته نیز آشکار است که از نظر او، داشتن انگیزه‌ی قوی و تلاش و کوشش برای تحقق هدف با امیدواری به الطاف خداوندی و یاری و مدد او، مهم‌ترین وظیفه‌ی انسان در این جهان است و هیچ‌چیز، از جمله تقوی و دانش، نباید مایه‌ی اطمینان و مانع تلاش شود.

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری ست راهرو گر صد هنر دارد، توکل بایش  
(همان: ۳۷۳)

او معتقد است که تلاش و کوشش همراه با توکل، وظیفه‌ی انسان است و اگرچه وصال را به کوشش نمی‌دهند، باید امیدوار بود و تا آنجاکه توان داشت، کوشید. نباید در آغوش بخت خواب‌زده غنود و از بانگ جرس کاروان غافل ماند. باید کوشید، وصال دولت بیدار را با تلاش و با توجه به اینکه «خواستن، توانستن است» به دست آورد و خویشتن را به کاروانیان رسانید (شریفی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۱۳۴):

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش وه که بس بی خبر از غلغل چندین جرسی  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۶۱۹)

بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن حیف باشد چو تو مرغی که اسیر قفسی  
(همان: ۶۲۰)

گاه انگیزه و اراده‌ی حافظ حیرت‌انگیز است:

چرخ بر هم زخم از غیر مرادم گردد من نه آنم که زیونی کشم از چرخ فلک  
(همان: ۴۰۸)

فردا اگر نه روضه‌ی رضوان به ما دهند غلمان ز روضه، حور ز جنت به در کشیم  
(همان: ۵۱۱)

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد      من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم  
(همان: ۵۱۰)

### ۵.۵. صبر و شکیبایی

با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و باورهای اعتقادی حافظ که برگرفته از قرآن است:  
صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ      هرچه کردم، همه از دولت قرآن کردم  
(همان: ۴۳۱)

امیدواری منجر به صبر و تاب‌آوری می‌شود: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ* (بقره/ ۱۵۳). انسان‌های امیدوار راحت‌تر می‌توانند مشکلات و مصائب را تحمل کنند. حافظ به خوبی از این نکته آگاه است که داشتن انگیزه و اراده‌ی قوی، به تنهایی نمی‌تواند انسان را به مقصود برساند؛ بلکه بسیاری از دشواری‌های زندگی، با امیدواری، در گذر زمان حل می‌شود، زمان اساساً تسهیل‌کننده‌ی بسیاری از امور است و خداوند یاور صابران است؛ بنابراین او با دعوت خود به صبر، دیگران را نیز به شکیبایی دعوت می‌کند:

صبر کن حافظ به‌سختی روز و شب      عاقبت روزی بیابی کلام را  
(حافظ، ۱۳۷۵: ۱۳)

*الصبر مُرٌّ و العمرُ فَنانٍ*      یا لیت شعری حَتَّام القاء  
حافظ چه نالی؟ گر وصل خواهی      خون بایدت خورد، در گاه و بی‌گاه  
(همان: ۵۶۸)

او نیک می‌داند که صبر و شکیبایی، حتی برای دردهایی که درمانی ندارد نیز، بهترین درمان است:

حافظ اندر درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز      زآنکه درمانی ندارد درد بی‌آرام دوست  
(همان: ۸۷)

### ۶. نتیجه‌گیری

مفهوم و مؤلفه‌های نظریه‌ی امید و امیدواری، متنوع و حاصل فرهنگ و زیربنای فلسفی غرب است؛ از این رو، تحقیق در این مفاهیم و مؤلفه‌ها برای یافتن چرایی و چگونگی امید و امیدواری از منظر حافظ که اساس اندیشه‌اش، فرهنگ و فلسفه و عرفان شرق است، کاری بس دشوار بود؛ ولی نتایجی درخور توجه در برداشت. اهمّ نتایج تحقیق عبارت‌اند از:

با توجه به ابهامات و اختلاف نظرهای بسیار که در تعریف و تشخیص باورهای ذاتی، میان صاحب‌نظران وجود دارد و محدودیت منابع و اطلاعات ما درباره‌ی حافظ، پاسخی مناسب درباره‌ی اینکه آیا باورمندی او به امید، محصول شخصیت ذاتی اوست یا نه، به دست نیامد.

بر مبنای آرای برخی از صاحب‌نظران حوزه‌ی زبان‌شناسی و روان‌شناسی، بسامد واژگانی که هر شخص استفاده می‌کند، بیانگر ویژگی‌های شخصیتی اوست؛ بنابراین می‌توان پذیرفت که امیدواری از ویژگی‌های شخصیتی این شاعر بزرگ است.

برخی دیگر از اشعار امیدوارانه‌ی حافظ را می‌توان به‌عنوان واکنشی درمقابل وضعیت ناگوار سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی عصر او تلقی کرد؛ اشعار حافظ نشان می‌دهند که او از همه‌ی مشکلات و مصیبت‌های سیاسی و اجتماعی، از جمله نفاق و ریاکاری زاهدان دین‌فروش، نیک آگاه بوده است. این وضعیت ناگوار، نه‌تنها باعث ناامیدی این شاعر بزرگ نشد، بلکه او را بر آن داشت تا در موضع مصلحی فرهنگی و اجتماعی، از طریق نکوهش و طعن فاسدان و دعوت کردن مردم به امیدواری به روزهای روشن و کوتاهی دوران تاریکی و غم، به مبارزه با این قوم و طایفه برخیزد.

از آنجاکه جهان‌بینی حافظ برگرفته از قرآن کریم است، بخشی زیاد از اشعار حافظ، منعکس‌کننده‌ی باورهای او در امیدواری به الطاف حضرت حق است.

مفاهیم و مؤلفه‌های امید و امیدواری در اشعار حافظ، انباشتی از واژه‌ها به‌منظور برانگیختن هیجان‌ات مخاطب نیست؛ بلکه حافظ در اشعار خویش، بسیاری از مهم‌ترین

مؤلفه‌های نظریه‌ی امید و باورمندان به امیدواری را در چهارچوب نظام فکری و اعتقادی و مواضع اجتماعی و فرهنگی خویش بیان کرده است؛ مؤلفه‌هایی نظیر داشتن هدف، آگاهی از واقعیت‌های دشوار زندگی، عدم قطعیت در تحقق اهداف در کوتاه‌مدت، وجود انگیزه و اراده‌ی قوی و صبر و شکیبایی.

از اشعار حافظ چنین برمی‌آید که هدف غایی او، رسیدن به وصال جانان و درک جمال بی‌حجاب حضرت احدیت و رسیدن به چشمه و خلوتگه خورشید است که از طریق عشق و شراب و رندی، در معانی خاص مورد استفاده‌ی او، به دست می‌آید. حافظ، برای تحقق هدف، داشتن اراده و انگیزه‌ی قوی و تلاش و کوشش همراه با صبر و شکیبایی برای عبور از مشکلات را توصیه می‌کرد؛ ولی تحقق قطعی هدف را مشروط به الطاف خداوند و یاری و مدد او می‌دانست.

در مجموع، امید و امیدواری در اشعار حافظ، به زیبایی، ظرافت، لطافت و اندیشمندی هرچه تمام‌تر، بیان شده است. اشعار او همدلانه، هم‌ذات‌پندارانه، مسئولانه و رهایی‌بخش است و به مردم کمک می‌کند تا در این وضعیت سخت، بیشتر تاب‌آوری داشته باشند و زندگی را ادامه دهند.

#### یادداشت

۱. در علم روان‌شناسی، امید و امیدواری لزوماً با هم مرتبط نیستند؛ مثلاً اشتیاق، هسته‌ی اصلی امید است، ولی امیدواری برحسب سطوح توقعات تعریف می‌شود (رک. بهاری، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۲۱).

#### منابع

قرآن کریم. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای. تهران: اسوه.  
 آلن، جیمز. (۱۳۹۷). تو همانی که می‌اندیشی. ترجمه‌ی مطهره انصاری. تهران: کتاب کوچک.

اسنایدر، چارلز ریک. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی امید*. ترجمه‌ی فرشاد بهاری با همکاری آزاده خالقی. تهران: دانژه.

اشتری، بهرام. (۱۳۸۵). *این راه بی‌نهایت*. ج ۱ و ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
انصاری، ابراهیم و همکاران. (۱۳۹۶). «فال حافظ و کارکردهای اجتماعی آن». *فصلنامه‌ی تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی*، دوره‌ی ۹، ش ۳۱، صص ۱۱۹-۱۳۶.

بهادری، مهدی. (۱۳۷۵). *زندگی و شادی*. تهران: انتشارات اوحدی.  
بهاری، فرشاد. (۱۳۹۰). *مبانی امید و امیددرمانی*. تهران: دانژه.  
پایمرد، منصور. (۱۳۸۶). *سلوک باطنی حافظ*. شیراز: انتشارات نوید.  
پیرانی، منصور. (۱۳۹۲). «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن»، هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان.  
حافظ، خواجه‌شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۵). *دیوان اشعار*. به‌کوشش خلیل خطیب‌رهبر. تهران: صفی‌علی‌شاه.

حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۳). «زلف تاب‌دار حافظ؛ به‌گزینی‌های حافظ در پیوند با 'زلف'». *مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)*، دوره‌ی ۱۲، ش ۴۵ و ۴۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.

خرازی، کمال. (۱۳۸۵). «مکتب تربیتی حافظ». *مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳ و ۴، صص ۱۲۹-۱۴۰.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۰). *حافظ‌نامه*. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.  
سازمند، هانیه. (۱۳۹۸). *امید و اکنون‌زیستی در آثار مولانا*. تهران: دانژه.  
سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم فلسفی و کلامی*. ج ۲، تهران: امیرکبیر.  
سرامی، قدمعلی و اشرف چیتگرزاده. (۱۳۹۶). *آینده پابنده‌باد؛ امید در شعر شاعران بزرگ ایران*. تهران: ترفند.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۸۷). *خوش‌بینی آموخته‌شده*. ترجمه‌ی رامین کریمی. تهران: بهار سبز.



\_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). *شادمانی درونی*. ترجمه‌ی مصطفی تبریزی و همکاران. تهران:

دائرة.

شاملو، سعید. (۱۳۸۲). *مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*. تهران: رشد.

شریفی گلپایگانی، فرج‌الله. (۱۳۷۸). *آزاداندیشی خیام و حافظ*. تهران: رهام.

شولتز، دوان. (۱۳۸۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه‌ی یوسف کریمی و دیگران. تهران:

ارسباران.

شیوندی، کامران و فضل‌الله حسن‌وند. (۱۳۹۹). «تدوین مدل پیامدهای روان‌شناختی

اضطراب ناشی از اپیدمی کروناویروس و بررسی نقش میانجیگری سلامت معنوی».

*فصلنامه‌ی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال ۱۱، ش ۴۲، صص ۱-۳۶.

عمران‌پور، محمدرضا. (۱۳۸۰). «اهمیت عناصر و ویژگی‌های ساختاری واژه در گزینش

واژگان شعر»، *مجله‌ی پژوهش‌های ادب عرفانی*، دوره‌ی ۱، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۸۰.

غیائی، محمدتقی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری*. تهران: شعله‌ی اندیشه.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). *تاریخ ادبیات ایران*. ج ۲. تهران: بدیبه.

صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم. (۱۳۸۰). *ترجمه‌ی اسفار اربعه؛ از خلق به خلق*

(ج ۴). ترجمه‌ی محمد خواجوی. تهران: مولی.

فرانکل، امانوئل ویکتور. (۱۳۸۵). *انسان در جست‌وجوی معنی*. ترجمه‌ی مهین میلانی و

نهضت صالحیان. تهران: دُرسا.

فردریکسون، باربارا. (۱۳۹۷). *مثبت‌گرایی*. ترجمه‌ی نسرین پارسا و هامایاک آوادیس

یانس. تهران: رشد.

فروم، اریک. (۱۳۸۷). *انقلاب امید*. ترجمه‌ی مجید روشنگر. تهران: مروارید.

فریدونی، هاشم. (۱۳۸۹). «سرچشمه‌ها، شاخه‌ها و مفاهیم رندی در شعر حافظ». در:

*با مدعی مگویید (مجموعه‌مقالات)*. به‌کوشش منصور پایمرد. شیراز: انتشارات نوید.

قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم‌بن‌هوازن. (۱۳۸۷). *رساله‌ی قشیریّه*. ترجمه‌ی

ابوعلی حسن‌بن‌احمد عثمانی. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: زوآر.

- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۷). *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*. تصحیح و توضیحات عفت کرباسی و محمدرضا بزرگر خالقی. تهران: زوار.
- کشاورز بیضایی، محمد. (۱۴۰۰). «سنجش داده‌های تاریخی قرن هشتم هجری در دیوان حافظ شیرازی با منابع تاریخی». *مجله‌ی جستارهای تاریخی*، سال ۱۲، ش ۱، صص ۱۳۱-۱۵۱.
- گر جی، علی. (۱۳۸۱). *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر*. قم: بوستان کتاب.
- گل‌من، دانیل. (۱۳۸۰). *هوش هیجانی*. ترجمه‌ی نسرین پارسا. تهران: رشد.
- لاهیجی، شیخ‌محمد. (۱۳۶۸). *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*. با مقدمه‌ی کیوان سمیعی. تهران: کتابخانه‌ی محمودی.
- لوریا، الکساندر. (۱۳۶۸). *زبان شناخت*. ترجمه‌ی حبیب‌الله قاسم‌زاده. ارومیه: انزلی.
- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۸۴). *مکتب حافظ*. تبریز: ستوده.
- می، رولو. (۱۳۹۹). *هنر مشاوره*. ترجمه‌ی خدیجه علوی و نادیا شاملو. تهران: دانش.
- هرگنهان، بی‌آر. (۱۳۸۹). *تاریخ روان‌شناسی*. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی. تهران: ارسباران.
- هسه، هرمان. (۱۳۷۸). *هرمان هسه و شادمانی‌های کوچک*. ترجمه‌ی پریرضا رضایی و رضا نجفی. تهران: مروارید.